



این رذیله اخلاقی برعکس رفتارهای دیگر به سادگی قابل درمان نیست

رخی از رذایل اخلاقی به این سادگی قابل درمان نیستند و شاید اصلاً قابل درمان نباشند. یکی از این رذیلت‌ها، رذیله «حماقت» است!

برخی از رذایل اخلاقی به این سادگی قابل درمان نیستند و شاید اصلاً قابل درمان نباشند. یکی از این رذیلت‌ها، رذیله «حماقت» است!

یادداشت مهمان_حجت الاسلام احمد حسین شریفی، عضو هیئت علمی و استاد تمام فلسفه موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره): کمتر رذیله‌ی اخلاقی یافت می‌شود که قابل درمان و اصلاح نباشد. یکی از مهم‌ترین کارویژه‌های پیامبران و اولیای الهی و عارفان و عالمان اخلاق، شناخت و تبیین رذایل اخلاقی و ارائه نسخه‌ها و راه‌هایی برای زدودن آنها و جایگزین کردن آنها با فضیلت‌های اخلاقی است.

در عین حال، برخی از رذایل اخلاقی به این سادگی قابل درمان نیستند و شاید اصلاً قابل درمان نباشند. یکی از این رذیلت‌ها، رذیله «حماقت» است!

امام صادق از قول حضرت عیسی علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: (الاختصاص، شیخ مفید، ص ۲۲۱)
 دَاوَيْتُ الْمَرَضَى فَشَقَّيْتُهُمْ يَا ذَنْ لَهِ وَ أَبْرَأْتُ الْأَكْمَةَ وَ الْأَبْرَصَ يَا ذَنْ لَهِ وَ عَالَجْتُ الْمَوْتَى فَأَحْيَيْتُهُمْ يَا ذَنْ لَهِ وَ عَالَجْتُ الْأَحْمَقَ فَلَمْ أَقْدِرْ عَلَى إِصْلَاحِهِ؛ من بیماران را مداوا کردم و به اذن خداوند شفایشان دادم. کور مادرزاد و شخص مبتلا به پستی را به اذن خدا درمان کردم؛ مردگان را به اذن خدا زنده کردم. ولی وقتی می‌خواستم شخص «احمق» را معالجه کنم، نتوانستم او را اصلاح کنم!

پرسیدند: يَا رُوحَ اللَّهِ وَ مَا الْأَحْمَقُ؟؛ «احمق کیست؟»

فرمود: احمقی که هیچ درمانی برای او کارگر نمی‌افتد و هیچ راه‌علاجی برای او یافت نمی‌شود، کسی است که:

یک. الْمُعْجَبُ بِرَأْيِهِ وَ تَعْسِيهِ؛ خودرأی و خودشیفته است؛ حماقت در ادبیات دینی و اخلاقی ما فقط به معنای نادانی و کم‌هوشی نیست. بلکه به معنای انسداد ذهنی و روحی در برابر حقیقت است. به معنای خودشیفتگی و خودرأیی است. احمق کسی است که هوش و دانایی خود را برتر از همه دیگران می‌داند و خود را بی‌نیاز از مشورت و یاری گرفتن از دیگران می‌بیند و می‌داند. و در نتیجه خود را بی‌نیاز از نقد و انتقاد سازنده می‌بیند.

دو. الَّذِي يَرَى الْفَضْلَ كُلَّهُ لَهُ لَا عَلَيْهِ؛ تمامیت خواه است؛ همه فضیلت‌های اخلاقی و افتخارات اجتماعی و امکانات سیاسی را فقط برای خود می‌بیند و می‌خواهد.

سه. وَ يُوجِبُ الْحَقَّ كُلَّهُ لِنَفْسِهِ وَ لَا يُوجِبُ عَلَيْهَا حَقًّا؛ همه حق را برای خود ثابت می‌داند و هیچ تکلیفی را بر عهده خویش نمی‌شناسد! او خود را مستحق همه چیز (اعم از ثروت و قدرت و احترام و توجه و ...) می‌داند؛ نوعی استحقاق پایان‌ناپذیر برای خود قائل است؛ و در مقابل هیچ حقی برای دیگران قائل نیست؛ منطق اجتماعی احمق، منطق «دریافت حقوق» است و نه «انجام تکالیف»! او اساساً هیچ وظیفه و تکلیفی درقبال دیگران بر دوش خود احساس نمی‌کند!

تا زمانی که یک فرد مبتلا به بیماری حماقت باشد، هیچ درمانی در او اثرگذار نیست؛ هیچ موعظه و نصیحتی به گوش او فرو نمی‌رود. حماقت در ادبیات دینی و اخلاقی ما، ملازم با عجب و خودبزرگ بینی و خودشیفتگی و تمامیت خواهی و خودمحوری است. حماقت، پرده‌ای ضخیم از ظلمت و تاریکی است که اجازه نفوذ هیچ نوری را به ذهن و ضمیر فرد نمی‌دهد.

خبر مهر